منتقد بريتانيايسي روزنامه تلگراف در طيف

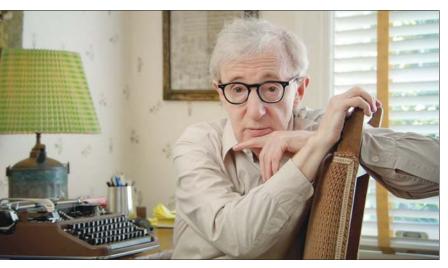
بااشاره به سابقه ۹ مجموعه تلويزيوني كارتوني

ده تلاش بُرای در هم آمیختن انیمیشن و

ـینمایینویسهایی قـرار گرفته که بــه «باب اسفنجی» ۲۰۱۵ نمبره مُتوسّطی دادهاند او ۳ستاره برای فیلم در نظر گرفته است. رابی کالین

ذرەبين





گفتوگو با وودی آلن به مناسبت نمایش فیلم «مرد بی منطق» در جشنواره کن

فيلم رابراي مسابقه دادن نمى سازند

مایک فلمینے جونیور وودی آلے کارگردان ۲۰ میلو میلو میلو میلو و در دی منطق، فر مردی ۲۹ ساله بسرای افتتاحیه «مرد بی منطق»، فیلمی کمدی درباره یک استاد دانشگاه که با مشکلات اگزیستانسیالیستی دستو پنجەنرممی کندو یواکین فونیکس،امااستون وپار کر پوزی بازیگرانش هستند،به كاخ جشنوارەفيلم كن أمدەاست.اين چهل وششمين فيلم وودىآلن در مقــام كار گردان اســت كه از وقتى که هرکستی بتواند به یاد داشته باشتد، مثل ساعت کار میکند و سالی یک فیلم روانه پرده میکند این گفتوگو با ددلاین پیش از سیفر آلن به کن در سالن نمايش فيلم خصوصى لودر منهتن نيويور كانجام شده

اىنحاكحاست؟

۔ سال ها پیش باشگاه بوده و ما آن را گرفتیم و به اتاق مایش فیلم با پروژ کتور برای مرمت و بازسازی فیلم ها تبديل كرديم، من متوجه شدم كه اين جابراي كار. عالى است. ما در اتاقى ديگر تدوين مى كنيم و مى آييم لى المام كانيم، بعد حالمان گرفته مىشود و اين جا و تماشا مى كنيم، بعد حالمان گرفته مىشود و برمى گرديم، به اتاق وسعى مى كنيم، درستش كنيم. از زمان حال گيرى تا تكميل فيلم چقدر طول

مىكىشد؟ قبلاكەروىنوار سلولوئىدكارمىكردىم،خىلى طول سىكشيد.حالاباسيستمAvid،مفت،هشتروزطول

می کشید ۲۵ با سیستم ۲۷۱۹ معت، هست روز سون می کشدومتل آب خوردن است. ادوم های ناب گرایی مشل اسکورسییزی و تارانتین و خودشان را وقف حضظ و نگهنداری فیلمهاکر دهاند شماهم؟

. من احساًســی قوی در این مورد ندارم. هر کس هر روشی که بتواند کار کند، خوب است. دیجی ت. دیجیتال آگر درست انجام شود، به نظر من خیلی خوب است. فیلم سر و شـــكل خوبی پیدا می كند، اگر كار درست انجام شود. من البته هر گز فیلمبرداری را به روش دیجیتال انجام نــدادام اما فکر می کنــم که فیلم بعــدی ام را دیجیتالی تصویر می گیرم که ببینم چطوری از کار در میآید.(دیجیتال)حالادیگر چیزی بیش از موج آینده

یت، درواقع موج زمان حال است. چه مزایایی دارد که شما را متقاعد کر ده است

برای اولین باریه سراغش بروید؟ ظاهرا کارها را به حداقل می ساند. همهاش مربوط ہے،شــود به این که بعد از فیلمبر داری مجبور نیس Ъ. لولوئيدرا ببريد. قبلامجبور بوديد ببريدو بچ وبعد بگرديد و از روى نوار پيدايش كنيد. حالا بنگ، بنگ، بنگ، بنگ، کار تمام است! سن هرگز تا وقتی فیلمبرداریفیلمی تکمیل نشدهباشد، تدوین نمی کنم. هیچوقت حیــن کار (فیلمبــرداری) تدوین نمی کنم. وقتی فیلمبرداری تمام شــد، می آیم این جا و با هم از ريل شماره يک و صحنه يک شروع مي کنيم و نما به نما ری طرح بی تر اوقتی تمام شود. از موقعی که به این مکان آمدهایم تدوین از مرحله صفر تانسخه اولیه برای من به ٨ روز رسيده است. مشكل بزُرگ البته بعداز اين ەبروزمىكند. م, حل

مثل جے؟

<-اشتنىتر اينكه لازم باشد يك شخم ت را دو ياكمتر دوستداشتنى كنيديا يك رابطه را باور يذيرتر کنید.شایدیکقطعه موسیقی یا گفتار در تصویر اضافه کنید. یا چیزهای خاصی در نسـخه اولیه که ۲ساعت و١٠ دقيقة زمانش است، باهم جـور در نمى آيند. در نهايت، وقتى همه آتو آشغال ها وچيز هايي را كه جالب بەنظرنمىآيد،دورمىريزى،زمانفيلمبەيكساعتو

كاغذ آوردن، دوست داشته ايد، معدوم مى كنيد؟ بى رحمانه فكر مى كنم با گذشت ساليان بيش از حد ی رحم شدهام، علتش هم این است که اضطراب دارم. چی می سال می می بی این می برای می می این می این می می این می ا آن را داشتم که به حال خودشـــان بگذارم، عالی عمل ان را نامسم دید حکا خودست بینارم، بقی عقل می کردند. از حذف شــوخیها و بختهای مختلفی از فیلهماافســوس خوردها موقتی به پشت سر نگاه می کنیم، به نظر می رسد که این بخش های حذف شده خوب کار می کردند. مسأله این اســت که در آن موقع

اعصاب و جـرأت لازم را ندارم و نگران هســـتم که آن بخش هاخوب کار نکنند عدمای به این روحیه می گویند انضباط. ش اسمشراچەمىگذارىد؟

اضطراب.برای من خیلی آسان است که طول فیلم را کم کنم، اصلانگران این نیستم. خیلے ہار امے شناسم مرا سې سور غاری یې پیسمې مینې در می سور کهاز کوتاه کردن خوششان نمی آید. خوششان نمی آید بخشی از دیالوگ در نمایش روی صحنه یا تکههایی از فیلم را حذف کنند. ولی من یاد گرفتهام که ببرم. وقتی داشتم نوشتن را یاد می گرفتم، شخصی که بیشترین تأثير رااز او گرفتم، هميشه به من مي گفت: «گر شک

او کی ہود؟

دنی سایمون. برادر نیل سایمون کـه وقتی من ۲۰ ساله بودم، واقعاکمکم کرد. ویراستاری بی رحم بود که نوشـــتههایم را خط میزد. آن موقعی بود که برای تلویزیون مینوشتیم من و دنی داشتیم روی یک طرح تلویزیونی کارمی کردیم. کار داشت خوب پیش می رفت مريريوي روي ريم مراريو ويک شموخي من مي گفتم ويکي او.اومي گفت: «آره، شموخي خوبيه ولی از آن خندمهای گرانقیمت نیست.» منظورش این بود که تو

داری عمل نمایشے را با شے خی ری بری بری بری متوقف می کنــی و من نمی خواهم آن را در کار بگنجانم چون بهنظرت خندهدار است اما خوب که فکرش رابکنی، می بینسی که خیلی خاص و محفلی است و شاید بیشتر ا ۱۰ نفـر متوجـُه نشـوندو آنُ راُ

نگیرند ۔ «مرد بیمنطـق» یازدھمین فیلمـی اسـت کــه بــه کــن فرستادہایدواگر «داستانھای یویور کے»را در نظر بگیریم



يس فورد كايولا ساخته شا ه ف انس وازدهمین فیلم شما در کن است. چرا خودتان نخواستيداين فيلمدر بخشمسابقه باشد؟

به تشرم ملی شود عمادین عیم از چیم میرم پیم مورت است. چه کسی گفته یک گروه از داورها که به صورت دلبخواهی انتخاب شدهاند، می توانند تصمیم بگیرند که کدام فیلم از بقیه بهتر است؟ آیا «پدرخوانده» از «رفقای خوب» یا هر فیلمی که در همان سال تقویمی روی پرده رفته باشد، بهتر است؟ این فیلمها را برای این که در مسابقه شرکت کنند، نساختهاند. فیلمها را این نه در مسابعه سرت نیست. سنج کند نیم میران به دلایل مختلفی می سازند برای پول مثلا بابرای یک نیاز بیایی خاص، من فیلم می سازم چون از این کار لذت می برم، وقتی فیلم تمام شــدو در این اتاق آن را دیدم، آن را به دور ترین جاها می فرستم و دیگر امکان اصلاح كردن آن وجود ندارد... تمام شد رفت. فيلم از اين اتاق

۲ سے اعت بار ان بیاید – بار ان بارید ہے کہ ہفتہ آفتابی ساختهام، ندیدمش. هر گز «آنی هال» یا «موزها» (در مىخواستې،داشــتې، ھيچ كار اشتباھى نمىتوانستم انجام بدھم؛ تلاش مىكردم نمىتوانســتم گندېزنم. ايران: «تقلابی قلابی») يا «منهتن» ياهر كدام از آنهای ديگر را دوباره نديدمام. چون تنها كاری كه با ديدن آنها همه چیز سـر جای خودش بود. وقّتی فیلم تمام شد، حس خوبــی دربارهاش داشــتم، حــس می کردم که ز دستُت برمی آید، افسوس خوردن و پشیمانی است. اگر الان قرار بودیکی از فیلم هایم را ببینم، مدام مجبور حس خوبسی دربارماش داشت. به حسس می کردم که همه بازیگرها، حتی آنهایی که یکی، دوجمله بیشستر درده بین خس میٌشــدَمُ فَکَر کَنَم کَهُ چَه کَارهایُــی را باید می کردَمٌ، چه کارهایی را درســت انجام ندادهام، کجا گند زدهام استند،خوب کار کردند. پ**س آنراتماشاکردید**؟ چه فارمایی را فارست دیام مامام جان میارد. با چقدر از آن چیزی که به یاد دارم، بدتر است. هر گز آدم فکر نمی کند که «وای خدا، چقدر معر که است.» خیلی سال پیش موقعی که «تازه چه خبر، گربه ملوس»

ھپچوقت ندیدمش جون خاطر ماش خیلی عزیز بودو اگر میدیدمش،می گفتم ای وای،این آن چیزی بود که خيال مي كردم؟ یکی کر چه چیزی در یواکین فونیکس دیدید که فکر کردیدبرای نقش استاد فلسفه رنج دیدهای که از

تر وزینبرای نفس است دفسمور چیندیمی کنار آرزوی مرک نیر ومی گیرد مناسب است؟ من اغلب موقع نوشت یا از یگر را هیم در ذهن نارم. این بار نداشتم، داستان را تمام کردم چون به نظرم ایده خوبی می آمد بعد به خودم گفتم چه کسبی برای این فيلم مناسب است؟ اول از همه اما استون براي نقش اصلی زن به نظر مرسید، چون عملا از هر نظر عالی است و بعد جولیت تایلر بازیگردان یواکین را به من یادآوری کرد. همه میدانستیم بازیگر خوبی است ولی من به خودم می گفتم نکنداز آن آدمهای دیوانه باشد یا کار كردن بالوسخت باشد؟ امانبود. خيلي آدم نازنيني است و خُيلى هُم خودش را جدى نمى گيـرد. اصلا ه بود کارش چقدر خوب است و من بیشتر از آن که بېو کارى پىدار كوب سىت و سىبېسىر را ك بخواھم كار گردان باشم، كارماين بود كە برايش توضيح بدھماين برداشت آخرى بدنبود، خيلى ھم خوب بود. باز يگر ھاى جوان از كار باشـــمااعتبار كســب میکنند. چطور یک بازیگر جـوان توجه تان میکنند. چطور یک بازیگر جـوان توجه تان را جلب میکنــد و چقدر پیگیر فیلمهـای روز

مستيدتادرجريان باشيد؟ ۔ فیلہھارامیبینمولی خیلی پیگیرن فیلم تماشامی کنمولی در این میان آدمهاراهم پیدا می کنم. وقتی «زمستان استخوان سوز» را دیدم از

ی می از می از می مطلع شدمو جولیت تایار مرممثل وجود جنیفر لارنس مطلع شدمو جولیت تایار هم مثل دایره المعارف است و اغلب می گوید باید بروی این را و این را ببینی، مثل چز پالمینتری که وقتی «گلوله هابر یان بیسی، مسل پر پیسیسری و رسی سوری مورد میر فراز برادوی» را کار می کردم، هیچ جادیده نشسده بود. ولی بهمحض آن که پا به اتاق گذاشت. حتی لازم نشد گوش بدهم تـــا جملهای بگویــد... بلاقاصله انتخابش

كوئنتين تارانتينوبه من گفت چند فيلم ديگر که بسازد، خود را بازنشسته می کند، چون میخواهد قبل از آن که حس کند فیلم بعدی او بزرگتر ین فیلمش نیست و به نقطهای رسیده که شـروع کرده است به تکرار کردن خودش، که سطروع فرفاناسطی به فجرار فرفان فوقان، کار رامتوقف کند.احساس شــما در مورد تداوم _ازی برای مدتی طّولانی چیّ ت؟ چه موقع باید کار رامتوقف کرد؟

هر وقت که خودت بخواهی. بستگی به خودت دارد. هروف نه حودت بعراهی بیسنی به خودت درد. بعضی هافقط چندافیلم می سازندیک نفر هم پیدا می شــــد مثل بونونل که همه عمر فیلم می سازند من از فیلم ســاختن لذت می برم و این کاری است که من باید انجام بدهم اگر هیچکس نیاید فیلمهایم را ببیند واگر مردم نخواهند به من پول بدهند تا فیلم بساز م، آن وقت متوقف می شوم اما تا زمانی که مردم از سر اسر دنیا مَى آيند فيلمم را تمَّاشا مى كنند و منُ مُخَاطَبُ دارم و يده براى فيلم هايم دارم، تا هر وقت كه از اين روند لذت مى برم فيلم مى سازم ومن هم كل فرآ يندفيلم ساختن

يعنى تاموقعى كەبزىندروى شانە تان... به کارمادامه می دهم گاهی اوقات فیلمی را می سازم که هیچکس نمی خواهد ببیند، ولــی اهمیتی به این نمی دهم آن موقع شــروع کردهام به کار روی فیلمی دیگر واز آن لذت می برم. شاید فیلم بعدی را خیلی ها بیایندوببینند،ولی آن موقع هم دارم روی فیلم دیگری كارمىكنم.ھر گزبەپشتسرنگاەنمىكنم.

کو تاه شدهاز: ددلاین ترجمه: يانته آگلفر

سنما معمولا وظيفه نحات دنيا رابه قهر مانان فود محول می کند، حتی اگر این دنیای تخیلی کمتر از ۲ ساعت دوام داشـــته باشد. این بار نوبت وفادار فنجى شلوار مكعبى ودوس و کله پوک او، پاتریک رسیده است که چنین مُســنُوليتَ خَطيَرَ و دَشــوارى را برعهده بَكْيرَد. دنيايى كه در «باب اسـفنجى: اسـفنج بيرون از آب» به خطر میافتد، از سرزمین زیـر دریایی بیکینی باتم فراتر نمی رود اما وقتی همه جوانب را در نظر بگیریم و محصوصاً از دیدگاه باب اسفنجی و پاتریک و آقای خرچنگ و پلاتکتن و ســـندی به مســـاله نگاه کنیم، به اهمیت و حساسیت آن بى مى بريم، هر چەباشد، در دريايى شرور فرمول مخصوص فست فود آقاى خرچنگرادزدىدەاست و همهجین ا به خطر انداخته اسبت؛ بس ارزش ن را دارد که شلوار مکعبی با دشمن دیرینه پلانکتن دست دوستی بدهدو به سفری در فضا و زمان برود تا دنیایـش را از خطری به این بزرگی

«باب اسفنجی: اسفنج بیرون از آب» محصول ۲۰۱۵ را که مخلوطی است از فیلم زنده و انیمیشن، گلن بر گروجاناتان ایبل براساس سریال --- کار کرد کی کار کرد تلویزیونی انیمیشن ســاخته و پرداخته استیون هیلنبورگ نوشتهاند و مایک میچل و پل تیبیت كارگردانى كردەاند نقىش زندە دزد دريايى فيلم

، «باباسفنجی»نیکل اودئون و یک فیلم/انیمیشن سینمایی دیگر که بیش از ۱۰ سال پیش به روی برده آمده و ديويد هسلهاف بازيگرش بوده اس مى گويد لازم نيست ھيچ كدام از آنھا را قبلا ديده باشيدتااين فيلمبرايتان هيچ معنايي نداشته باشد. نويسنده تلكراف معتقد است كه شايد اين فيلم بهترين انيميشن سال نباشيد، اما به قطع ويقين بهترین بیمبیش سال بیست، میبا عضور پیش میتوان گفت کهافراطی ترین آنهاست. خانم بیتسی شار کی منتقد لس آنجلس تایمز نیز همین امتیاز ۱۶۰ ز ۲۰۰ را به فیلم داده است. این فیلمزنده در بخش هایی از فیلم را بزرگترین اشتباه آن دانسته و معتقد است که این در هم آمیختن " ، ار ن دانسته و معتقد است که این در هم آمیختن مردستی و بدون ظرافت به کلیت اثر لطمه زده است.جوردن هافمن نویسنده کاردین نیز در همین طیف میانی قرار گرفته و معتقد است که علاوه بر

«باب اسفنجی: اسفنج بیرون از آب» از نگاه منتقدان نسخهاي ديوانهواربراي نجات جهان ساسان گلفر |

شدت و غلظت لطیفه های طرح شده، تنوع آنها نیز عامل دیگری است که موجب تأثیر گذاری شان می شــود. با ایـــن حال او معتقد اســت کــه اقدام حساب شُـده مبتنی بر بازاریابی سازندگان فیلم



، تام کنی در را آنتونيو باندراس بازى كرده اس نَقَش بَابٌ، بيل فَاكْر بِاك در نَقش پاتريك و كلنسي براون در نقش آقای خرچنگ و همچنین پلاتکتن زجمل ومداييش وهاي آن مستند اين فيلم ۹۳ دقیقــهای دارای درجهبنــدی PG با بودجه ۹۳ میلیـون دلار تولید شــده و بعداز اکـران در اسفندماه گذشته از محل گیشه در سراسر جهان ٣١١ميليوندلارفروشداشتهاس

متوسط نمره ثبت شده ۲۷ منتقد نشر معتبر به «باب اسفنجی: اسفنج بیرون از آب» در پایگاه اینترنتی متاکریتیک ۶۲ ز ۱۰۰ است. ۸۵ منتقدارزیایی مثبتی از این فیلم انیمیشن بلند داشته ند، ۱۱ نفر نمردهای متوسطی به آن داده ند و یک نفر هم آن را بی ارزش دانسته است.

ر» یکی از طرفداران پر و پاقرص باب اسـفنجی در «سـفنج بیرون از آب»الیزابت وایتزمن نویسنده نیویورک دیلی نیوز است که ۴ ستاره از ۵ ستاره به آن داده است. این منتقد به خواننده می گوید اگر ی :رر ت.این منتقد به خواننده می گوید اگر خلاصه داستانی که از فیلم تعریف کرده است، در هم برهم و بی معنا به نظر می رسد، هراسی به دل راه ندهید. پیرنگ داستان فقط بهانه ای است بر ای راه دهید پورت داستان فعط بهایی است برای طرح کردن معجون طنز زیر کانه و اغلب سورالی که خاص ایسن مجموعه است. وی می افزاید که «لازم نیست حتما بچه باشید- یا حتی بچهای را بشناسید- تااز اراجیف دیوانعوار آزامنشآنهای که علامت شخصه باب اسفنجی است، لذت بیرید.» علامت مشخصه باب اسفنجی است، لذت بیرید.» اندرو بارکر، منتقد ورایتی به اندازه وایتزمن برای «باب اسفنجی: اسفنج بیرون از آب» امتیاز ، نظر گرفته اما گفته است که این فیلم از لحاظ مزُخرفٌ گُویی دیوانهوار به پای «فیلّم سَــيْنمایی اباسفنجی شلوار مکعبی »سال ۲۰۰۴ نمے ر سا امااز لحاظ سور تال بودن ذاتی از آن پیش می افتد و به همان اندازه به یاد ماندنی است. وی همچنین یادآورمی شود که ارجاع های گوناگون به فیلم هایی مانند «مکس دیوانــه» و آثار فیلم،ســازانی مثل استنلی کوبریک، سـر جُیو لئونه و داگلاس آدامز احتمالافراتراز در ک مخاطبان جوان تر خواهدبود.

برای تبدیل بخش هـای پایانی فیلم بــه یک اثر ابرقهرمانی با آن کـه در روی کاغــذ خوب جواب میدهداماباعثافت یکسوم آخر فیلم شدهاست. ی دهداماباعثافت یک سوم آخر فیلم شده است. منتقدی که ۲/۵ ستاره از ۵ ســتاره داده است، خانـــم کلودیا پویگ نوی ده یــو.اس.ای تودی در مقالهای بــا عنوان «بامــزه، ولی بــا لودهبازی یشتر از آن که بتوان جذبش شد» نوشته است. -«لحظات اکشـــن زنده فیلم- که بیشــتر بر محور آنتونیو باندراس در نقــش دزد دریایی بدطینتی به اسم «ریش برگر»استوار است که بیشتر وقت خود را صرف خطاب قرار دادن گروهی از مرغهای دريايى مى كند–درست با سكانس هاى پويانمايے توجور نمىشود. تقريباً اين حس تماشــاگر دسُــتُ میدهد که دو فیلم را به شکل عجیبی به هم چسباندهاند.» پویگ نیز مانندمنتقد قاردين به افت يکسوم پايانی فيلم اشاره کرده و گفته است که فیلم «باب اسفنجی» در این زمان

مىنى سە تەتىم «بە سىعىجى» در اين زمان حس پوچى آزادمنشانە خودرااز دست مىدھد. مايكل فيليپس، گزارشگر شــيكاگو تريبيون در این میان بیرجم، ترزین منتقد «باب اسفنجی: سفنج بیرون از آب» است که نمرهای معادل ۳۸ از ۱۰۰ بـ این فیلم داده است. فیلیپس د مقاله خودنگاهی به تاریخچه این شخص يتا; سال ۱۹۹۹ تأکنون که در مجموع درآمدی ۸میلیارد دلاری داشــته اسـت، انداخته و این مجموعه را یشتراز آن که بخواهد «خندمدار» باشد، بر خور دار ا: از شخصیت «شیدایی-افسردگی»از لحاظ لحن و حس و ضرباهنگ زندگی در سـرزمین تخیلی یکینی باتم دانسته است. وی به مطالعهای در نانشــگاه ویرجینیا در ســال ۲۰۱۱ که در ژورنال بیماریهای کودکان منتشر شدهودر آن،مج پیش دبستانی مورداشاره قرار گرفته،استناد کرده و نوشته است که «من عمومااز یک فیلم درست و حسابی لذت میبرم، فیلمی که خندمدار تر از این باشد.»



سته بودم و داشتم ناهار فرانسه که صحنه فیلم بود، نشسته بودم و داشتم: می خوردم. ریچارد بر تون و الیزابت تیلور هم داشـ در آن جادر فیلمی بازی می کردند بابرتون، که البته نیلی با او آشسنا نبودم؛ صحبت می کردم. گفت: «من هيچوقت بعد ازاينكه فيلمهايم ساخته شــد، آنها را نمی بینم،» او بازیگر بزرگی بود. به خودم گفتم خیلی عجبت است. آن موقع نو بسنده اولين فيلمج بودمو جيز زیادی نمیدانستم. وقتی خودم کارگردان شدم، خوب فهمیدم که کارگردانهااغلبمیگویند که«ازمننخواه کهفیلم منظوراوچیست. تا حالاصدای خودتان را در

داشت ساخته میشد، در اروپا بودم. در کافهتریایی در

. نابراین هرچه کمتر بافیلمهای تکمیل شده سر و کار

فيلم هامتُلُبچەهاىمن هُستَند.» بلە،خب من از همە آنهامتنفرم.هيچ كدام باهم فرقى

ندارندو همه شان...وقتی تمام می شوند، رضایت بخش نیستند فقط یک بار در مجموع احساس مثبتی داشتم و آن هم وقتی بود که «متیاز نهایی» تمام شد. فکر

می کنم در مورد این فیلم خیلی شانس آوردم. قرار بود یک خانم بازیگر دیگر در ایــن فیلم بازی کند که یک

هفته پیش از فیلمبرداری افتاد و پایش شکست و من

خوش شانس بودم که اسکار لت جوهانسن در آن موقع کاری نداشت.داشتم در لندن فیلمبر داری می کردم.به

روز ابری نیاز داشتم، همان روز ابری شد. لازم داشتم

و،بهتر است. کار گردان هااغلب می گویند که «از من نخواه کار گردان هااغلب می گویند که «از من نخواه که فیلم موردعلاقه خـودم را انتخاب کنند. این

نمو آن هموقتی بود که ن نــدارم.اماوقتی تدویــن به پایان رسید، مجبورم که فیلم را به حال «امتیازنهایی»تمامشد خود بگـــذارم، چـــون در گير اين یاس میشیوم که چه بر سر

چنین آدمهای بزرگی آوردمام، حالادایان ویس (که به طور مشــتر ک بــا مار تین اسکور ســیزی بانیومی واتس یا هر بازیگر دیگری که در طول سالیان - ، رای را بی از بی از درم ار می از می متمادی با آنها کار کردهام. آنها به مـــن اعتماد کامل داشتهاند و با پول اندکی حاضر شدهاند با من کار کنند ومن همیشه احساس کردهام که آنها را ناامید می کنم. و من همیشه احساس کردهام که آنها را ناامید می کنم.

من به عمر مفیلمی در بخش مسابقه نداشـــتهام. به نظرم نمی شــود گفت فلان فیلم از فیلم دیگر بهتر ے ر , ر - سرد... نمام شد رفت. فیلم از آین ا فتهآستومن دیگر به عمرم آن را دوباره نمی بینم. **هیچوقت**؟

…عمر هیچوقت. «پول را بــردار و فرار کـــن» را از وقتی که

موردعلاقه خودمراانتخاب کننداین فیلمهامثل بچههای ضبط صوت شنيده ايد؟ صداً و تصویتری کــه آدم از م.هستند.» فودش می شنود و می بیند، بدتر بله،خبمنازهمه آنهامتنفرم. از تصوری است کــه پیش خود دارد. اگر من خــودم بازیگر فیلم هیچ کدامباهم فرقی ندارندو شان...وقتی تماممی شوند، بت بخش نیستند فقط یک نباشم و بازیگرانی دوستداشتنی مثل دایان کیتون یا اما استون در آن بازی کنند،مشکلی باتدوینش ۔ رضایتبخشنی باردرمجموع أحساس مثبتي